

بررسی اشارات قرآنی در اشعار بهار

محمد سالاری*

چکیده

تحقیق و تفحص در باب شخصیت‌های بزرگ ادبی و آثار آنان، کاری است بس دشوار. اما از جهت ادای وظیفه و انجام تکلیف و علاقه‌ی وافر نسبت به اشعار یکی از درخشان‌ترین ستارگان آسمان ادب معاصر ایران، ملک‌الشعرای بهار سبب گردید، که پس از بارها مطالعه‌ی دیوان اشعار و انس و الفت با اشعار زیبا و متنوع این ادیب فرزانه تصمیم گرفتم که کاری هر چند مختصر در حد توان معرفی این اثر ارزشمند انجام دهم. بعد از این آشنایی و انس با دنیای شعر بهار و با توجه به اهمیت دین و نقش سازنده‌ی آن در هدایت انسان به سوی کمال، نویسنده را بر آن داشت که موضوعی در ارتباط با رهنمودهای انسانی و دینی در شعر بهار برگزیند. در این مقاله ابتدا اشارات قرآنی بهار در اشعارش را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کلید واژه: بهار، دین، رهنمودهای دینی

مقدمه

دوره‌ی حکومت قاجار بر ایران منشأ تحولات گسترده‌ای در جنبه‌های سیاسی - اجتماعی، ادبی، اقتصادی و... در جامعه‌ی ایران شد. تحولاتی که تأثیرات مثبت یا منفی آن هنوز هم به خوبی در جامعه احساس می‌شود و این تأثیر به حدی است که به جرأت می‌توان ادعا کرد که اگر کسی تاریخ قاجاریه را به دقت مطالعه نکرده باشد، هرگز قادر به فهم تحولات کنونی جامعه و ارائه‌ی

salari@yahoo.com

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۵



تحلیل جامعه و دقیقی از آن نخواهد بود. یکی از وقایعی که در دوره‌ی قاجاریه قابل بحث و بررسی است، جنبش ادبی در این دوره است که به دوره‌ی بازگشت ادبی نیز مشهور شده است. با این که دوره‌ی بازگشت ادبی در حقیقت از اواخر عهد صفویه آغاز شده ولی دوره‌ی باروری و اشاعه و گسترش آن در عهد قاجاریه بوده است و در این دوره شعرا و نویسندگان بزرگی ظهور کردند که با اجتناب از سبک و اسلوب نویسندگان دوره‌ی صفوی که ویژگی آن به خصوص پیچیده‌نویسی و استفاده زیاد و بی‌رویه از لغات و ترکیبات و اصطلاحات عربی بود، روش جدیدی را با بازگشت به روش نویسندگان قدیم، چون بیهقی و... بنیان گذاشتند که ادامه‌ی آن به ادبیات مردمی دوره مشروطه منتهی شد. عواملی که موجب ایجاد تفکر بازگشت ادبی شده‌اند را محققین رشته‌های مختلف به شیوه‌های متفاوت مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند، اما باید گفت که شاید مهم‌ترین علت ایجاد و یا و یا به ویژه گسترش چنین سبکی در بیان نویسندگان و شعرای آن دوره، نیاز آنان به ایجاد ارتباط گسترده با مردم بوده است. مردمی که توان درک و فهم دقیق مطالب نویسندگان و شعرای دوره‌ی قبل از بازگشت ادبی را نداشته‌اند و این نیاز با تأسیس روزنامه‌های مختلف و نیز نیاز به ایجاد آگاهی در طبقات مختلف مردم در جریان نهضت مشروطه و قیام‌های قبل از آن بوده است و شاید به همین دلیل است که می‌بینیم شاخص‌ترین چهره‌های این جنبش ادبی به ویژه در زمینه‌ی نثر را کسانی تشکیل می‌دهند که در اصلاح افکار عمومی زمان خویش نیز نقش بسزایی داشته‌اند. این مقاله اشارات قرآنی بهار در اشعارش را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بحث اصلی و تحلیل

در دوره‌ی قاجار و مشروطه، دین و بسیاری از آموزه‌های دینی مسخ شده بود و شکل حقیقی و جوهری خود را از دست داده بود. از سوی دیگر آشنایی با تمدن مدرن غربی، مسائل جدید بسیاری را برای نواندیشان و روشن‌فکران ایرانی مطرح کرده بود، که دستگاه کری- سنتی ایرانی برای آن‌ها پاسخ قانع‌کننده‌ای نداشت. همراهی علما و دین با نظام استبداد حاکم، یکی دیگر از مواردی بود که با آرمان‌های روشن‌فکران که نافی استبداد و طالب مساوات و آزادی بود در تضاد قرار می‌گرفت. خرافه‌پرستی اسطوره‌آمیز جاهلانه و عامیانه مذهبی که همراه با تعصب خشک و



شدید بود از دیگر عواملی بود که لزوم اصلاحات و تجدید حیات فکری و دینی را برای روشن کفران ایرانی محرز ساخته بود.

ریشه‌های اقتدار مذهب در ایران را می‌توان در اصول عقاید شیعه جست و جو کرد که خود به خود برای روحانیون شیعه نوعی مرجعیت فکری که متضمن اقتدار سیاسی، اقتصادی و حتی خدماتی بود ایجاد می‌کرد، چرا که نفوذ مذهب فراتر از احکام دینی، به سلوک اجتماعی، عواطف شخصی و فعالیت‌های اقتصادی مردم نیز سرایت کرده بود و موجب تکوین و تداوم نوعی اقتدار فراگیر و مقاوم اجتماعی برای علمای دینی در ایران شده بود.

بر طبق عقاید شیعه، علما به عنوان نایبان غایب و حتی اولاد امامان، به مثابه‌ی گروه اجتماعی خاص، بیشترین مشروعیت را در ایران دارا بودند، به طوری که حکومت سیاسی تنها زمانی پذیرفتنی و مقبول بود که اقتدار اجتماعی علما را محترم می‌شمرد و جامعه‌ی اسلامی را در برابر غیرمسلمانان حفظ می‌کرد.

به لحاظ تاریخی می‌توان ریشه‌های این اقتدار را در پیدایش سلسله‌ی صفویه که مؤسسانش در پی آن بودند با ایجاد دولت قدرتمند شیعی مذهب با نیروی بزرگ آن زمان یعنی عثمانی سنی مذهب به مقابله پردازند. صفویه موجب رسمیت نیروی مذهب و تبدیل آن به یکی از اهرم‌های اصلی قدرت در ایران شدند اما فعال شدن سیاسی علمای دینی از اواخر قرن سیزدهم هجری به بعد را، بیشتر از آن که نتیجه‌ی نظری تفکر شیعه در باب امامت و مخالفت با قدرت غیردینی بدانیم باید، حاصل واکنش اولیه‌ی آن‌ها در برابر غرب دانست. اکثر علما و فقهای اوایل دوره‌ی قاجار سوای نظرات فقهی و مذهبی و انجام مسائل اجتماعی‌ای که برعهده‌شان بود، درباره‌ی سیاست عملاً فعالیتی نداشتند. حرکت عملی آن‌ها نیازمند انگیزه بود و تحولات ناشی از روابط ایران و غرب این انگیزه را فراهم کرد و جرقه‌ی این انگیزه در زمان جنگ‌های ایران و روس توسط عباس میرزا با درخواست حکم جهاد علیه دشمن از فقها زده شد. بدین ترتیب بود که علما تا قبل از مشروطه نقش مهمی را در رهبری قیام‌های مردمی و فراهم ساختن انقلاب مشروطه داشتند و بعد از آن، حتی این قدرت تا اندازه‌ای با تصویب نظارت پنج تن از ایشان در تطبیق قوانین مجلس با موازین شرع رسمیت پیدا کرد.



اما در دوران رضاشاه در نتیجه‌ی نوسازی و اقتباس از قوانین غربی در حوزه‌های مختلف، نقش و اهمیت دین در زندگی اجتماعی ایرانیان به تدریج کاهش یافت، علاوه بر آن کوشش در زمینه‌ی کشف حجاب زنان و تغییر لباس مردان، به فرهنگی که روحانیون پاسدار آن بودند، آسیب رساند. همچنین اصلاحات آموزشی و وضع مقررات و نظام مدارس جدید و تدریس مواد درسی جدید نیز بر نقش آموزشی علما اثر گذاشت و آن را کمرنگ و بی‌اثر ساخت.

بهار خوب می‌دانست که تلقی‌های دینی و معتقدات مذهبی در طول تاریخ در دل و جان و زندگی مردم ایران ریشه دوانده است، لذا با برخورداری معقول، منطقی، مسئولانه، و خیرخواهانه سعی در اصلاح اندیشه‌ها و باورهای دینی زمانه‌اش داشت، او عقیده داشت این سنت‌ها را نه می‌توان و نه شایسته است که از ریشه برکند و حاشا کرد، و در عوض با برخورد واقع‌بینانه و استفاده‌ی بهینه از آن‌ها به کار توسعه و ترقی مادی و معنوی می‌آیند چه می‌دانست که اگر آن‌ها را به حال خود واگذارد و اصلاحشان نکند، مردم در آتش اختلافات و تعصبات کور خواهند سوخت و از قافله‌ی علم و تمدن عقب خواهند ماند و هم‌چنان اسیر استبداد و گرفتار انحطاط و بدبختی می‌مانند و طعم شیرین آزادی، آسایش و ترقی و شکوفایی مادی و معنوی را در زندگی اجتماعی نخواهند چشید و بدین ترتیب دچار لطمات و ضایعات جبران‌ناپذیری خواهند شد.

بر این اساس بهار را باید جز آن دسته از نواندیشانی دانست که می‌کوشید فردگرایی، علم، آزادی و تحول را با مقاصد و سنن مذهبی و اسلامی تطبیق و ترکیب کند و در دین‌داری نیز از سخت‌گیری و تعصب خشک از روی نادانی بپرهیزد و تساهل و تسامح به خرج کند. (اکبری، تابستان ۱۳۸۷/۳-۶) «شعر بهار با مقام رسمی او در «آستان قدس» یک جنبه‌ی دینی را حائز است که در شعرهای دوره‌ی نخست شاعری، بخش نسبتاً بزرگی را شامل می‌شود. از طرفی بهار شعر شاعران شیعی را که از زمان صفویه مورد توجه جدی‌تری قرار گرفت، با دید و معیار ادبا و شعرای دوره‌ی بازگشت ولی با توجهی تمام به سبک شاعران خراسانی در کنار و جوار شاعری خود قرار می‌دهد. این، او را حلقه‌ی اتصال شاعرانی می‌کند که در مدح و منقبت ائمه(ع) شعر می‌سرایند. (یاحقی، ۱۳۸۸/۱۶۵)



بهار در مجموع به دین، در شعرهایش توجه عمده‌ای نشان می‌دهد، در بیشتر قصاید او «روح دیانت» جلوه‌ای بارز دارد. نه فقط اشعاری که در مدح و رثای پیامبر و امامان هست، شاهد این دعوی است، بلکه در اخلاقی هم که وی تعلیم می‌دهد روح دیانت، و تعلیم اهل ظاهر بارزتر از روح عرفان و تعالیم حکما به نظر می‌آید.

ستایش پیغمبر و امامان هر چند تا حدی لازمه‌ی کار ملک‌الشعرایی او در استان قدس بوده است، لیکن به هر حال از قوت روح دیانت در وجود او حکایت دارد. در این مدایح و مرثی‌های همان اغراق‌ها و مبالغه‌ها که نزد اکثر سراینندگان و اشعار مذهبی معمول است، هست، الا آن که لطیف‌تر و مأنوس‌تر است و گاه نیز با افکار و آراء تازه‌ای همراه است. بدین گونه اکثر اشعار عهد جوانی او که یادگار دوره اقامت در خراسان و یا اوایل عهد مسافرت او به تهران است، از روح دیانت آکنده است. اما با وجود شوق و علاقه‌ی به دیانت که از بیشتر اشعار عهد جوانی او آشکار و نمایان است، خرافات پرستی نزد او محکوم و مطرود است و این را دیگر جزء دیانت نمی‌شمارد» (عابدی، ۱۳۷۶/۱۶۳-۱۶۵)

آشنایی بهار با قرآن

بهار در چهار سالگی قرآن را نزد زن عمویش فراگرفت و در شش سالگی که به مکتب رفت، فارسی و قرآن را به خوبی فراگرفت و در هفت سالگی شاهنامه را نزد پدرش خواند. وی اصول ادبیات و مقدمات عربی را ابتدا نزد پدرش و سپس در محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و صیدعلی خان در گزی در مدرسه‌ی نواب مشهد به خوبی می‌آموزد (آرین‌پور، ۱۳۵۴/۱۲۴) تأمل در اشعار او نشان می‌دهد که با کتب تفسیر و روایات اسلامی آشنایی کامل داشته است، چنان که اشعار خود را ترجمانی از سخنان آسمانی می‌داند.

گوش جان بگشا و بشنو زانکه اشعار بهار صحبت کروییان را ترجمانی دیگر است (دیوان/ ۱۱۵۵)



از اشارات او در لابلائی دیوانش به اشعار عرب، استفاده از ضرب‌المثل‌های عربی و تاریخ ادبیات عرب معلوم می‌گردد که با آثار بزرگ ادب عربی به خوبی آشنا بوده است. او معتقد است که زبان عربی و فارسی موجب اقتدار ملی است.

گونه‌های مختلف تأثیرپذیری از قرآن در اشعار بهار

یکی از وجوه بلاغت که از محسنات کلام محسوب می‌شود، اقتباس است و آن عبارت است از به کارگیری آیات قرآنی به اشکال مختلف در کلام. در دیوان بهار که بیش از ۱۳۰۰۰ بیت است، هفت گونه اقتباس از آیات و مفاهیم قرآن دیده می‌شود.

- ۱- اقتباس از مفاهیم قرآن بدون استفاده از لفظ آیه صورت گرفته است.
- ۲- در بخشی از یک کلمه‌ی قرآنی یا بخشی از یک آیه برای افاده‌ی مفهوم آیه استفاده می‌کند.
- ۳- در پاره‌ای از ابیات یک آیه‌ی را برای افاده‌ی لفظ و معنی می‌آورد.
- ۴- گاه تغییرات جزئی در آیات به وجود آورده تا مناسب با قالب و وزن شعر گردد.
- ۵- در ابیات بسیاری به جای کلمات فارسی اصطلاحات ویژه قرآنی را به کار می‌برد.
- ۶- استفاده از اصطلاحات قرآنی با تغییر یا ترکیب کلمات
- ۷- از اشاره‌های تلمیحی به حوادث زندگی پیامبران که فهم آن‌ها موقوف به آگاهی از آیات مربوط به آن‌هاست، استفاده‌ی بسیار کرده است. (سبزیان پور، ۱۳۸۳/۹۵-۱۲۰)

استفاده از مفاهیم قرآن بدون اشاره‌ی لفظی به آیه‌ی مربوط

با استقصا در دیوان بهار به چهل مورد از این نوع اقتباس برمی‌خوریم. شیطان به صلب آدم گرنور او بدید چندین چرا نمود ز یک سجده اجتناب (دیوان / ۳۰)

اشاره به سوره‌ی اسراء/ ۶۱ «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا»



«و یادآور وقتی که فرشتگان را امر به سجده‌ی آدم کردیم پس همه سجده کردند جز ابلیس که اعتراض کرده و گفت آیا من سر طاعت به آدمی که از خاک آفریدی فرود آورم؟»
نیست انسان را جز آنچه در اوسعی نمود این چنین گفت پیغمبر به همایون دفتر
(دیوان/۱۸۸)

اشاره به سوره نجم/ ۳۹ «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»

«و آن که نیست برای انسان جز آنچه که تلاش کرده است»

هزار مرتبه صائب تر است و نافذتر ز بیلک شهبت اندر مصاف دیو رجیم
(همان/۱۲۱)

آن ماهی زرین که سوی تک دود از سطح چون تیر شهابست که بر دیو نشانست
(همان/۵۴۶)

اشاره به سوره حجر/ ۱۶-۱۷-۱۸ «وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ وَحَفِظْنَا
هَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ الْأَسْمَعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ» «ما در آسمان کاخ‌های بلند
برافراشتیم و بر چشم بینوایان عالم آن کاخ‌ها را به زیب و زیور بیارستیم. و آن را از دستبرد شیطان
مردود محفوظ داشتیم. لیکن هر شیطان که برای سرقت به آسمان نزدیک شد تیر شهاب آسمانی
او را تعقیب کرد.»

شاعر در بیت اول، فکر علی (ع) را دقیق‌تر از شهاب‌های آسمانی می‌داند که به سوی شیاطین
پرتاب می‌شوند.

چه مدح گویم آن را که از جلالت قدر خدای عزوجل مدحتش مکرر کرد
(همان/۲۱۴)

اشاره به سوره قلم/ ۴ «وَأَنْكَأَ لَعَلِي خُلُقِي عَظِيمٍ» «و در حقیقت تو به نیکو خلقی عظیم
آراسته‌ای» اشاره به سوره‌ی انبیاء/ ۱۰۷ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» «و ای رسول ما تو را
نفرستادیم مگر آن که رحمت برای اهل عالم باشی»

شاعر خود را در مقام مدح پیامبر عاجز می‌بیند زیرا حق تعالی پیامبر را در مواردی از جمله دو
آیه‌ی مذکور ستوده است.



روی چون آهن تفته سپهر بر جنبشان گشته رسم آیات شر
(همان/۵۸۷)

اشاره به سوره‌ی الرحمن / ۴ «يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُوْخَذُ بِالْأَوْصِي وَالْأَقْدَامِ»
«آن روز بد کاران به سیمایشان شناخته شوند، پس موی پیشانی آن‌ها با پاهایشان بگیرند و در دوزخ
افکنند.»

گفت حکمت را خدا خیر کثیر هر کجا این خیر را دیدی بگیر
(دیوان/۸۸۷)

اشاره به سوره‌ی بقره / ۲۶۹ «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»
«خدا فیض دانش و حکمت را به هر که خواهد عطا کند، و هر که را به حکمت و دانش رساند
درباره‌ی او مرحمت بسیار فرموده»

هیچ کس در جهان جز مدتی معدود نیست

غیر ذات حق تعالی جادوان موجود نیست

(همان/۷۱۳)

اشاره به سوره‌ی الرحمن / ۲۶-۲۷ «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ / وَبَيَّتِي وَجْهَهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»
«هر که روی زمین است دستخوش مرگ و فناست / و زنده‌ی ابدی ذات خدای منعم و باجلال و
عظمت است.»

آفرین باد بر ایزد که چنان روی آراست به هوای تو شدم شهره‌ی شهر اینت شگفت
(همان/۱۰۶)

اشاره به سوره‌ی مؤمنون / ۱۴ «تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»

«آفرین بر قدرت کامل بهترین آفرینندگان»

خدا باشد به نزد اهل بی‌نش نگه‌دار نظام آفرینش
(همان/۹۳۳)

اشاره به سوره‌ی فاطر / ۴۱ «إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا»

«محققاً خدا آسمان‌ها و زمین را از این که نابود شود نگه می‌دارد.»



از مکر، دم درکش چنین گفت حق حق را دگرگون مکن
(دیوان/۱۱۳)

اشاره به سوره ی بقره/۴۲ «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَانْتُمْ تَعْلَمُونَ»

«حق را به باطل مپوشانید تا حقیقت را پنهان سازید و حال آن که به حقانیت آن واقفید»
محشری بی گنه هلاک شدند خاک بودند و باز خاک شدند
(همان/۹۳۳)

اشاره به سوره ی طه/۵۵ «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى»

«ما شما را هم از خاک آفریدیم و هم به این خاک بازمی گردانیم و هم بار دیگر روز قیامت از این
خاک بیرون می آوریم»

گر به مابد رسد گناه از ماست ورسد نیکی آن ز سوی خداست
(همان/۹۰۲)

اشاره به سوره نساء/۷۹ «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ»

«آنچه نیکی به تو می رسد از طرف خداست و آنچه بدی به تو می رسد از ناحیه ی توست»
(همان/۳۶۴)

اشاره به سوره ی دخان/۳۸ «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِينَ»

«و آسمان ها و زمین و آنچه بین آنهاست را بازیچه نیافریدیم»

از تو گر مادر تو نیست رضا دان که راضی نبود از تو خدا
وای اگر خنده ی گستاخ کنی گر کنی وای بر او وای به تو
(همان/۱۰۱۰)

بدار این سه مقصود را نصب عین نخستین خدا، زان سپس والدین
(دیوان/۱۱۰۹)

اشاره به سوره ی اسراء/۲۳ «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا فُؤَادًا

وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»



«و خدای تو حکم فرموده که جز او هیچ کس را نپرستید و درباره‌ی پدر و مادر نیکوئی کنید زنهار کلمه‌ای که رنجیده خاطر شوند نگوئید و کمترین آزار به آن‌ها نرسانید و با ایشان به اکرام و احترام سخن بگوئید»

قصاص ار چه خون را به خون شستن است

ولیکن به صد حکمت آستن است

(همان/۱۰۶۹)

اشاره به سوره‌ی بقره/۱۲۹ «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا اُولٰٓئِىَ الْاَبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»

«ای خردمندان! حکم قصاص برای حفظ حیات شماست تا مگر از قتل یکدیگر پرهیزید»

حسودان به پیغمبر هاشمی بیستند از این گونه بس افترا

که شعر است قرآن و بی معنی است الف لام میم الف لام را

(همان/۴۲۲)

اشاره به سوره‌ی صافات/۳۶ «وَيَقُولُونَ اٰنَا لَتَارِكُوۡا الْهَيْۡتَنَا لِشَاعِرٍ مَّجۡنُوۡنٍ»

«و با کمال بی شرمی می گفتند آیا ما برای خاطر شاعر دیوانه‌ای دست از خدایان خود برداریم؟»

در غدیر خم یزدان گفت مر پیغمبر را کز پی کمال دین شو پذیره حیدر را

(همان/۱۲۳)

اشاره به سوره‌ی مائده/۳ «الْيَوْمَ اٰكَمَلْتُ لَكُمْ دِيۡنَكُمْ وَاَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِيۡ»

«امروز به عقیده امامیه و برخی از اهل سنت روز غدیر خم و خلافت علی (ع) مراد است دین شما

را به حد کمال رساندم و بر شما نعمت را تمام کردم»

نخوانده درس مجازی ولی به مدرس حق

هزار درس حقیقت نخوانده از بر کرد

(دیوان/۲۶۳)

اشاره به سوره‌ی اعراف/۱۵۷ «الَّذِيۡنَ يَتَّبِعُوۡنَ الرَّسُوۡلَ النَّبِيَّ الْاُمِّيَّ»

«آنان که پیروی کنند از رسول ختمی مرتبت و پیغمبر اُمی»



به روی تو صنما ختم شد نکو رویی چو بر پیغمبر ما ختم شد پیامبری
(همان/۲۴۱)

اشاره به سوره‌ی احزاب/۴۰ «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ»

«محمد(ص) پدر هیچ یک از مردان شما نیست، لیکن او رسول خدا و خاتم انبیا است»
گویی چرا یکی است خدا یا رسول کیست

اینان ز مادر و ز پدر حجت آوردند
(همان/۲۶۹)

اشاره به سوره انبیا/۵۳ «قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ»

«قوم به ابراهیم گفتند ما پدران خود را به پرستش این بتان یافته‌ایم»

ایزد از او به خلق نمود امروز احسان بی‌نهایت و حد را
(همان/۱۳۴)

اشاره به سوره‌ی آل عمران/۱۶۴ در مدح پیامبر می‌گوید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا»

«خداوند با ولادت پیامبر احسان بی‌نهایت به مردم کرد. خداوند بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت.»

جان می‌دهد خدا به گنهکار هر دمی تا هر دمی ازو بستاند جان او
(همان/۱۵۸)

اشاره به سوره‌ی نساء/۵۶ «كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا أُخْرَىٰ لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ»

«که هر چه پوست تن آن‌ها بسوزند، به پوست دیگرش مبدل سازیم تا سختی عذاب را بچشند.»

شاعر شدت عذاب الهی را برای ستمگران، در قیامت یاد می‌کند، به این امید که دست از ستم بردارند.

چیزی که در او فایدتی هست بماند نبود شود آنچه درو فایدتی نیست
(دیوان/۱۲۱۴)



اشاره به سوره ی رعد/ ۱۷ «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ»
 «باطل چون کف به زودی نابود می شود و اما آب و فلز که به خیر و سود مردم است در زمین مدتی باقی می ماند»

شاعر در مذمت ظلم و ظالم اشاره به قرآن کریم، ظالمان را از ستم نهی و آن‌ها را تشویق به اعمال صالح و باقی می کند.

که خدا شاهدیست هر جای لیک رخ بسسته از تماشایی
 (همان/ ۸۳۱)

اشاره به سوره ی حدید/ ۳ «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»
 «اول و آخر هستی و پیدا و نهان وجود همه اوست و او به همه امور عالم و دانست»
 و اشاره به سوره ی بقره/ ۱۱۵ «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ»
 «مشرق و مغرب هر دو ملک خداست پس به هر طرف که روی کنید به سوی خدا روی آورده‌اید»

گوید آن کاو را منم مولا، علی مولای اوست

زینهار از طاعت او گر کسی سردر کند

(همان/ ۴۰)

اشاره به حدیث «مَنْ كُنْتُ مُوَلًّا فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَا»

که پیامبر در غدیر فرمودند: «هر که من مولای اویم علی نیز مولای اوست» و حضرت علی را به عنوان جانشینی خود به مردم معرفی می کند.

آیا خلیل ز آتش نمرود شد هلاک آیا خراب، خانه‌ی حق شد ز قوم فیل

(همان/ ۱۹۰)

اشاره به سوره ی فیل/ ۱ «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ»

«ای رسول آیا ندیدی که خدای تو با اصحاب فیل چه کرد»

خدای را غرض از خلقت جهان او بود و گرنه بهر چه آورد انس و جن و پری

(همان/ ۱۹۷)



اشاره به حدیث قدسی «لَوْلَا كَيْ كَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ»

«خطاب به پیامبر اگر تو نبودی آسمان‌ها را خلق نمی‌کردم» خداوند پیامبر را مقصود و هدف آفرینش هستی می‌داند.

خود این گفته‌ی نبی به گیتی مبرهن است

که باشم من از حسین، حسین نیز از من است

(دیوان/۱۵۹)

اشاره به حدیث پیامبر که درباره امام حسین می‌فرماید: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ»

«حسین نیز از من است و من از حسین هستم»

سعی کن که یابی بهر، ورنه سعی ناکرده اجرت نخواهد داد، اوستاد این دکان

ایزدت بهر زحمت، قوتی دهد ورنه ز آسمان نیفشاند، نعمت در دامان

(همان/۲۴۳)

اشاره به سوره‌ی النجم/۳۹ «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»

«و نمی‌داند این که برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داد ثواب و جزایی نخواهد بود؟»

خواننده‌ایم در دفاتر و کردیم امتحان کاز بعد هر غمی بود آسایشی نهان

(همان/۳۲۰)

اشاره به سوره‌ی شرح/۴ «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»

«پس با هر سختی البته آسانی است. و هر رنجی را راحتی می‌باشد.»

باغست نار نمرود آنگه کجا رسید از بهر پور آزرش آن ایزدی خطاب

(همان/۳۸۰)

اشاره به سوره‌ی انبیا/۶۹ «قُلْنَا يَا نَارُ كُوبِي بَرِّدَا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ»

«پس ما به آتشی که ابراهیم را در آن افکندند خطاب کردیم ای آتش سرد و سالم باش برای

ابراهیم»

بحرم بر، گل‌هی گرگ رده به صفت گرگ و به صورت چو غنم



خورده آهوی حرم را و شده جای آهو حرم گرگ حرم
(دیوان/۴۴۳)

اشاره به سوره ی مائده/۹۵ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ»

«ای اهل ایمان در حال احرام شکار را نکشید»

فقر و درویشی تباہت می کند در دو عالم رو سیاهت می کند
(همان/۸۸۸)

اشاره به حدیث شریف «الْفَقْرُ سَوَادُ الْوَجْهِ فِي الدَّارَيْنِ»

«فقر در دو جهان تو را روسیاه می کند»

نگر تا پیمبر چه گفت از خرد «بگوراست هر چند مرگ آورد»
(همان/۹۶۵)

اشاره به حدیث شریف که پیامبر می فرماید: «عَلَيْكَ الْأَصْدِقُ وَكَو قَتْلُكَ»

«راست بگو هر چند باعث مرگت شود»

اشاره به معنای یک آیه با ذکر یک کلمه یا بخشی از آیه

آیهی والقلم بیاید خوانند مر قلم را علم بیاید کرد
(همان/۳۵۹)

اشاره به سوره ی قلم/ «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ»

«قسم به نون که نام نور و ناصر حق یا لوح نور خداست و قسم به قلم و آنچه خواهد نگاشت»

خاکیان نیز به بر چیدن هنگامه ی دیو بر زمین بانگ تو کلت علی الله زدند
(همان/۴۰۰)

اشاره به سوره ی هود/۵۶ «إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ»

«من بر خدا که پروردگار من و شماست توکل کرده ام.»

کرد صفاهان ز عدل پرسش و حق داد ز آیهی لاتقنطوا جواب صفاهان
(دیوان/۳۲۲)

اشاره به سوره ی زمر/۵۳ «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ»



«ای رسول خدا بدان بندگانم که اسراف بر نفس خود کردند بگو هرگز از رحمت خدا ناامید
مباشید.»

روح تمدن به لب آیهی امن یجیب دین محمد یتیم کشور ایران غریب
(همان/۲۵۸)

اشاره به سورهی نمل/۶۲ «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَا وَ يَكْشِفُ السُّوءَ»

«آیا آن کیست که دعای بیچارگان مضطر را به اجابت می‌رساند و رنج و غم آنان را برطرف
می‌سازد»

عذر جنایات را ز جان گواه آورید فلیستجیوا لکم ان کنتم صادقین
(همان/۱۷۵)

اشاره به سورهی اعراف/۱۹۴ «فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»

«از آن‌ها بخواهید تا حوائج و مشکلات شما را روا کنند.

کندید و کفایتیم و به هر سو شتافتیم دیدیم سبع‌های سمان و عجاف‌ها
(همان/۵۷۵)

اشاره به سورهی یوسف/۴۳ «أَنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ»

«درباره خود گفتم من خوابی دیدم، که هفت گاو فربه را هفت گاو لاغر خوردند»
هفت گاو چاق و لاغر کنایه از خوب و بد و حوادث تلخ و شیرین است.

این تجارت نفع دارد از دو سو لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا تَنفِقُوا
(همان/۴۳۸)

اشاره به سوره آل عمران/۹۲ «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»

«شما هرگز به مقام نیکوکاران و خاصان خدا نخواهید رسید مگر آن که از آنچه دوست می‌دارید
و بسیار محبوب است در راه خدا انفاق کنید.

عرب ار دیدی آن خوب فواکه کانجاست بر نخواندی به قسم والتین و الزیتونا
(دیوان/۳۷۹)

اشاره به سورهی تین/۱-۲ «وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ وَ طُورِ سِينِينَ»



«قسم به تین و زیتون (دو میوه معروف انجیر و زیتون) و قسم به طور سینا (و سینه روشن به نور وحی خدا)»

غریو و هلهله زانبوه مرد و زن برخاست تو گفتی آن که دمیدند صور اسرافیل
(همان/۳۳۳)

اشاره به سوره نبأ/۱۸ «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَنَأْتُونَ أَقْوَاجًا»

«آن روزی که در صور دمند، تا مردگان زنده شوند، فوج فوج»

اتقوا خوانده‌اند و لاتلق همگی از حدیث و از فرقا
(همان/۶۳۱)

اشاره به سوره بقره/۱۹۵ «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»

«و خود را به مهلکه و خطر در نیفکنید»

ذکرشان لا یکلف الله است همه از ضعف نفس و وسع فلان
(همان/۶۳۱)

اشاره به سوره بقره/۲۸۶ «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»

«خداوند کسی را تکلیف نکند مگر به قدر توانایی او»

تا شوی فارغ بهار از باز پرس ابلهان

صوم رحمان گیر و چندی در سخن امساک کن

(همان/۱۱۹۸)

صوم رحمان، روزه‌ی سکوت و مربوط به حضرت مریم است. آنگاه که مردم او را در معرض
اتهام قرار دادند. **اشاره به سوره مریم/۲۶** «فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنِ أَكَلِمَ الْيَوْمَ
إِنْسِيًّا»

«بگو که من برای خدا نذر روزه‌ی سکوت کرده‌ام و با هیچ کس تا روزه دارم سخن نخوام گفت.»
به زیر بیرق نصر من الله اند و کنند مه و ستاره نثار پاکستان
(دیوان/۸۲۱)

اشاره به سوره صف/۱۳ «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشْرُ الْمُؤْمِنِينَ»



«نصرت و یاری خدا و فتح نزدیک و بشارت رحمت به اهل ایمان است.»

خودسرانه به هر طرف پویان همه آوی الی الجبل گویان
(همان/۸۸۱)

اشاره به سوره ی هود/۴۳ «قَالَ سَاوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ»

«آن پسر نادان و نااهل پدر را پاسخ داد که من به زودی به فراز کوه روم که از خطر هلاکم نگه دارد»

در جمال او ظاهر سر علم الاسما بزم قرب را محرم، راز غیب دانا
(همان/۱۰۸)

اشاره به سوره ی بقره/۳۱ «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»

«و خدای عالم همه اسماء را به آدم تعلیم داد»

رتبتش پیدا ز اسرار (حسین منی) است به خدا کاین سخن از دولت پیغمبر اوست
(همان/۱۶۱)

اشاره به حدیث شریف «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنْ مِنْ حُسَيْنٍ»

«از پیامبر که درباره‌ی امام حسین فرمودند: حسین از من است و من از حسین هستم»

لم یلد امروز یافت کسوت تولید آن که بدو زنده گشت هر سه موالید
(همان/۱۵۶)

اشاره به سوره ی اخلاص/۳ «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ»

«نه کسی فرزند او و نه او فرزند کسی است»

(همان/۲۱۱)

داد مردم ز عوام است که کالا نعامند به خدا بدنامند

(همان/۲۱۱)

اشاره به سوره ی فرقان/۴۴ «إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا»

«اینان در بی عقلی بس مانند چهار پایانند بلکه گمراه تر و نادان تر»



زقاب قوسین اندر گذشت و سوی خدا زهر چه بود و بود جایگه فراتر کرد
(دیوان/۲۱۴)

اشاره به سورهی النجم/۹ «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ

«آن گاه نزدیک آمد، با او به قدر دو کمان یا نزدیک تر از آن شد به شب معراج پیامبر اشاره دارد.»
ای شب قدر و ای خزانهای اجر و سلام علیک حتی الفجر
(همان/۲۲۱)

اشاره به سورهی قد/۵ «سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطَلَعِ الْفَجْرِ»

«این شب رحمت و سلامت و تهنیت است تا صبح گاه»
بسان حضرت صدرالانام، اسمعیل که عکس چهره اش آئینهی خدای نماست
(همان/۱۷۸)

اشاره به سورهی الرحمن/۱۰ «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ»

«و زمین را برای زندگی خلق مقرر فرمود»
اگر حرفی شنیدستم از مدرس جوابش گفت باید رطب و یابس
(همان/۳۱۲)

اشاره به سورهی انعام/۵۹ «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ»

«هیچ خشک و تری نیست جز آن که در کتاب (قرآن) مستور است»
خواندی که افکند آن فلان سجاده بر آب روان
این ورزش جانست هان السعی فیه قد وجب
(همان/۳۰۴)

اشاره به سورهی النجم/۳۹ «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ»

«و نمی داند این که برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داد ثواب و جزایی نخواهد
بود؟»

کی زین سراب خشم و کین شهد آید و ماه معین

کندوش خالی ز انگبین و آکنده چاهش ز انگژند

(دیوان/۳۳۰)



اشاره به سورهی الملک/۳۰ «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاوُءُ كُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ»

«ای رسول ما باز بگو ای کافران به دیده‌ی تأمل بنگرید آب که مایه‌ی زندگانی شماست صبحگاهی اگر به زمین فرو رود کیست که باز آب گوارا را برای شما پدید آورد؟
به خانه اندر نادیده چهر مام و پدر به مکتب اندر ناخوانده قل اعوذو عبس
(همان/۴۶۴)

اشاره به سورهی الناس/۱ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»

«ای رسول ما بگو پناه می‌جویم به پروردگار آدمیان»
سرّ قرآن را ز محکم و متشابهه جوی ز لطفش که اوست مصحف ناطق
(همان/۴۷۹)

اشاره به سورهی آل عمران/۷ «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ»

«اوست خدایی که قرآن را به تو فرستاد که برخی از آن کتاب آیات محکم است که آن‌ها اصل و مرجع دیگر آیات کتاب خواهد بود و برخی دیگر آیات متشابهه»
هر که را در دل نباشد کافر است معنی حب‌الوطن، فرموده‌ی پیغمبر است
(همان/۵۴۹)

اشاره به حدیث شریف از پیامبر اسلام که فرمودند: «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ»

دوستی وطن نشانه ایمان است»
تا نشانی بود ز ما و منیش لن ترانی است پاسخ ارنیش
(همان/۶۶۳)

اشاره به سورهی اعراف/۱۴۳ «قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي»

«موسی به تقاضای قوم خود عرض کرد که خدایا خود را به من آشکار بنما که تو را مشاهده کنم، خدا در پاسخ فرمود که مرا تا ابد نخواهی یافت.»
ورنمایی عمل به جمله علوم لقبیت نیست جز جهول و ظلوم
(دیوان/۶۹۰)



اشاره به سوره‌ی احزاب/۷۲ «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»

«ما بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌های عالم عرض امانت کردیم، همه از تحمل آن امتناع ورزیده اندیشه کردند تا انسان در مقام آزمایش و اداء امانت (بسیار ستمکار و نادان بود) که اکثر به راه جهالت و عصیان شتافت»

خودسرانه به هر طرف پویان همه (آوای الی الجبل) گویان
(همان/۷۱۵)

اشاره به سوره هود/۴۳ «قَالَ سَاوَى إِلَى جِبَلٍ يَْعِصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ»
«آن پسر نادان و ناهل پدر را پاسخ داد که من به زودی به فراز کوه روم که از خطر هلاکم نگه دارد»

شد صبح طالع، طی شد شبانگاه الحم لله، الحم لله
(همان/۱۲۶)

اشاره به سوره‌ی فاتحه/۱ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»
«ستایش خدایی که پروردگار جهانیان است و آفریننده جهان است.»
شاهدانی که چنانند و چنین مردم چشم اولی الابصارند
(همان/۴۰۹)

اشاره به سوره‌ی نور/۴۴ «يُقَلِّبُ اللَّهُ الْأَيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ»
«خدا شب و روز را بر یکدیگر می گرداند، تا صاحبان بصیرت در این آیت الهی به عبرت بنگرند و حکمت خدا را مشاهده کنند»

ذکر آیات با الفاظ و معنی کامل

والله خیر الماکرین گفت حق رومکر و افسون مکن
(دیوان/۱۱۳)



اشاره به سوره‌ی آل عمران/ ۵۴ «وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ الْمَاكِرِينَ»

«یهود با خدا مکر کردند خدا هم در مقابل با آن‌ها مکر کرد و از همه کس خدا بهتر مکر تواند کرد.»

ز آب حیوانش حی می‌شود لاشیء و من المء كل شیء حی
(همان/۲۷۶)

اشاره به سوره‌ی انبیا/ ۳۰ «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ»

«و از آب هر چیزی را زنده گردانیدیم»

غم نیست گر خصم از ریاگیرد خطا بر اتقیما

گیرند زندیقان خطا بر قل هو الله احد
(همان/۲۲۲)

اشاره به سوره‌ی اخلاص/ ۱ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»

«ای رسول ما به خلق بگو او خدای یکتاست»

ناصر ملت نمود فتحی بس نامدار هذا فتح قریب، هذا نصر مبین
قافیه از دست رفت جیش ستداد را ایمان شد سر بلند، فبشر المؤمنین
(همان/۱۴۲)

اشاره به سوره‌ی صف/ ۱۳ «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشْرٌ الْمُؤْمِنِينَ»

«نصرت و یاری خدا و فتح نزدیک و بشارت رحمت به اهل ایمان است»

عذر جنابات را ز جان گواه آورید فلیستجیوا لکم ان کنتم صادقون
(همان/۱۵۱)

اشاره به سوره‌ی اعراف/ ۱۹۴ «فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»

«از آن‌ها بخواهید تا حوائج و مشکلات شما را روا کنند.»

این تجارت نفع دارد از دو سو لن تنالوا البر حتی تنفقوا
(دیوان/۳۳۹)

اشاره به سوره‌ی آل عمران/ ۹۲ «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»



«شما هرگز به مقام نیکوکاران و خاصان خدا نخواهید رسید مگر آن که از آنچه دوست می‌دارید در راه خدا انفاق کنید.»

امروز شنید گوش خاتم لولاك لما خلقت الافلاك
(همان/۳۹۶)

اشاره به حدیث قدسی «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْاَفْلَاكَ»

«خطاب به پیامبر اگر تو نبودی آسمان‌ها را خلق نمی‌کردم» خداوند پیامبر را مقصود و هدف آفرینش می‌داند.

بشر هم پی برد از سر بی‌چون تعالی وصفه عا يقولون
(همان/۸۴۲)

اشاره به سوره‌ی اسرا/۴۳ «سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا»

«خدا از آنچه می‌گویید بسیار منزّه و برتر است»

ز دار فانی بگرفت ره سوی باقی که گفته است خدا کل من علیها فان
(همان/۱۲۵۳)

اشاره به سوره‌ی رحمن/۲۶ «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ»

«هر که روی زمین است دستخوش مرگ و فناست»

تغییر در کلمات آیه (برای هماهنگی با وزن و قافیه شعر)

ناصر ملت نمود فتحی بس نامدار هذا فتح قریب هذا نصر مبین
(همان/۱۴۲)

اشاره به سوره‌ی صف/۱۳ «وَأُخْرَىٰ تُجِيبُونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ»

«و باز تجارتی دیگر که آن را دوست دارید، نصرت و یاری خدا و فتح نزدیک و بشارت رحمت به اهل ایمان است.»

جمله خطا رفته‌اند جمله خطا کرده‌اند فلا توجه لهم دعهم فهم خاطئون
(دیوان/۱۷۵)



اشاره به سوره‌ی حاقه/۳۷ «لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ»

«که کسی جز اهل دوزخ آن طعام را نمی‌خورند»

اگر در قعر دریا ماهی ای کور برون آرد سر از این معدن نور
بشر هم پی برد از سر بیچون تعالی وصفه عما یقولون
(همان/۹۹۲)

اشاره به سوره‌ی انعام/۱۰۰ «سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ»

«در صورتی که خدا از این همه نسبت‌ها که بر او وصف می‌کنند برتر و منزّه است»

به که انسان زود از این مطموره^۱ غم بگذرد
(دیوان/۵۲۸)

نتیجه‌گیری

قرآن مجید کتاب دینی ماست، معانی و مفاهیم آن در طول چهارده قرن از جهات مختلف در حیات فردی و اجتماعی ما تأثیر پنهان و آشکار نهاده است. چنان که امروزه نمی‌توان جنبه‌ای از جنبه‌های گوناگون زندگی مسلمانان را یاد کرد که قرآن مجید و معانی والای آن به نحوی مستقیم یا غیرمستقیم در آن تأثیری نگذاشته باشد. یکی از بارزترین موارد این تأثیر، سروده‌های شاعران و نوشته‌های نویسندگان و دبیران است. هر ملتی به سرمایه‌هایی، اعم از مادی و معنوی می‌نازد. یکی از سرمایه‌های جاودانی و افتخارآمیز ما ایرانیان نیز به سروده‌های شاعران و سخنوران و نوشته‌های دبیران و نویسندگان مسلمان است. لذا اگر کسی ادعا کند که فی‌المثل می‌تواند اشعار رودکی، فردوسی، ناصرخسرو، مولوی، حافظ و... را بدون فهم قرآن و تأمل در احادیث نبوی به درستی دریابد، باید در صحت ادعای او تردید کرد! عجب نیست که این بزرگان خود اقرار کرده‌اند که: «هر چه دارند از دولت قرآن است» و به همین دلیل سخنانشان به واژه‌ای، عبارتی، آیتی و مضمونی از آیات قرآن کریم و احادیث معصومین زینت گرفته است.

^۱ مطموره: خانه یا گوی که بکنند و اسیر و زندانی را در بند سازند. (دهخدا، ذیل: مطموره)



منابع و مآخذ

- قرآن
- آراین پور، یحیی، (۱۳۷۹)، از صبا تا نیما، ج ۲، تهران: زوار.
- بهار، محمدتقی، (۱۳۷۸)، دیوان اشعار، جلد اول، تهران: نگا.
- بهار، محمدتقی، (۱۳۸۰)، دیوان اشعار، جلد اول، به کوشش چهارزاد بهار، تهران: توس.
- عابدی، کامیار، (۱۳۷۶)، به یاد میهن، تهران: ثالث، چاپ اول.
- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، جویبار لحظه‌ها، تهران: جامی.